

از چاه شیران به جایگاه فرشتگان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دانیال باب ۶؛ اول سموئیل باب ۱۸: ۶ تا ۹؛ متی باب ۶: ۶؛ اعمال باب ۵: ۲۷ تا ۳۲؛ مرقس باب ۶: ۱۴ تا ۲۹؛ عبرانیان باب ۱۱: ۳۵ تا ۳۸.

آیه حفظی: « اما وزیران و فرمانداران دنبال بهانه‌ای می‌گشتند تا در اداره امور مملکتی از دانیال شکایت کنند، ولی نتوانستند هیچ بهانه‌ای به دست بیاورند. چون دانیال کاملاً امین و درستکار بود و هرگز خطایی از او سر نمی‌زد » (دانیال ۶: ۴).

پس از تسخیر بابل، داریوش پادشاه ماد - فارس، دانایی و خرد دانیال را تصدیق کرد و از او دعوت کرد تا از دولتمردان حکومت جدید باشد. نبی پیر در انجام وظایف اجتماعی خویش بسیار نسبت به دیگران برتری داشت که باعث می‌شود پادشاه جدید او را به مقام فرمانداری ارشد کل حکومت ماد - فارس منصوب کند.

بهرحال، همانطور که این فصل گشوده می‌شود، دانیال با حاصل آنچه که به درستی می‌توان آنرا اولین گناه - حسادت نامید، روبرو بود. با این حال، قبل از اینکه داستان به پایان برسد، می‌توانیم مشاهده کنیم که دانیال نه تنها به مسئولیت دنیوی خویش تحت حکومت ماد - فارس، بلکه بیشتر از هر چیز به خدای خویش وفادار است. ما می‌توانیم مطمئن باشیم که تا حد زیادی، وفاداری وی به خدا بطور مستقیم بر وفاداری او در دیگر زمینه‌های زندگی‌اش تأثیر گذاشته بود.

تجربه آزار و شکنجه دانیال، الگویی برای قوم خداوند در زمان آخر است. حکایت، به این معنا نیست که مردم خداوند از آزمون‌ها و رنج‌ها معاف خواهند شد. آنچه که تضمین می‌شود این است که در نزاع با شر، نیکویی در نهایت پیروز خواهد شد و در نهایت خدا از امت خویش حمایت خواهد کرد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت در روز ۲۶ بهمن - ۱۵ February آماده شوید.

روح حسادت

حتی در بهشت، آن مکان کامل و عالی، لوسیفر نسبت به مسیح حس حسادت داشت.» لوسیفر به مسیح غبطه می خورد و به او رشک می ورزید. با این حال زمانی که تمام فرشتگان در برابر عیسی سجده کردند و برتری و اقتدار مقام رفیع او و حکومت مشروع و محقق او را تایید کردند، او هم همراه فرشتگان در برابر او سجده می کند؛ اما قلب او سرشار از حسادت و نفرت بود. «الِن جی وایت، داستان رهایی، صفحه ۱۴. حسادت چنان احساس خطرناکی بجا می گذارد، که در ده فرمان در کنار ممانعت از قتل و دزدی، فرمانی علیه طمعکاری وجود دارد (خروج ۲: ۱۷).

دانیال باب ۶: ۱ تا ۵، را همراه با پیدایش باب ۳۷: ۱۱ و اول سموئیل باب ۱۸: ۶ تا ۹ بخوانید. حسادت در این داستان ها چه نقشی را بازی می کند؟

توانایی های فرماندهی دانیال، پادشاه را تحت تاثیر قرار می دهد، اما حس حسادت در دیگران برانگیخته می شود. بدین ترتیب، آنها برای خلاص شدن از دست او بوسیله اتهام فساد، بر علیه او توطئه می کنند. اما هرچقدر آنان تلاش می کنند، در امور مدیریتی دانیال خطایی پیدا نمی کنند. «اما وزیران و فرمانداران دنبال بهانه ای می گشتند تا در اداره امور مملکتی از دانیال شکایت کنند، ولی نتوانستند هیچ بهانه ای به دست بیاورند. چون دانیال کاملاً امین و درستکار بود و هرگز خطایی از او سر نمی زد» (دانیال ۶: ۴). کلمه آرامی که به «وفادار» ترجمه شده، همچنین می تواند به «قابل اعتماد» ترجمه شود. دانیال بی گناه است؛ هیچ چیزی وجود ندارد که درباریان بتوانند برای متهم کردن او استفاده کنند. با این حال، آنها همچنین می فهمند که چقدر دانیال به خدای خود امین و وفادار است و اینکه چقدر او مطیع احکام خداوند خویش است. بنابراین، آنها بزودی متوجه شدند که به منظور متهم کردن دانیال، آنها باید شرایطی را فراهم کنند که در آن دانیال با معضل، اطاعت از احکام خدا و یا اطاعت از قانون امپراتوری مواجه شود. از آنچه که درباریان درمورد دانیال فهمیده اند، آنها کاملاً متقاعد شدند که تحت شرایط مناسب، او جانب احکام خداوند خود را می گیرد نه قوانین امپراتوری، آنچه که شهادتی برای اثبات وفاداری دانیال بود.

شما با چه نوع مشکلات ناشی از حسادت، مواجه شده اید و چگونه با آن برخورد کرده اید؟ چرا حسادت چنین گناه مرگبار و مفسد روح می باشد؟

توطئه علیه دانیال

دانیال باب ۶:۶ تا ۹ را بخوانید. چه طرز تفکری در پس این حکم وجود دارد؟ چه نقشی را در غرور شاه بازی می کند؟

شاید داریوش بخاطر صدور حکمی که بزودی لغوش خواهد کرد، نادان به نظر برسد. او در دام توطئه گران درباری می افتد، کسانی که به اندازه کافی برای بازی با شرایط سیاسی حکومتی که اخیراً تاسیس شده است، زیرک و سیاست هستند. داریوش به منظور اداره کارآمدتر کشور، یک حکومت غیر متمرکز تاسیس کرد و صد و بیست استاندار را برای اداره کشور برگزید. با این حال چنین اقداماتی مستلزم برخی مخاطرات در بلند مدت بود. یک فرماندار با قدرت و نفوذ می توانست باعث شورش، شکاف و نفاق در مملکت شود. پس، این قانون جدید ملزم می ساخت تا هر کس به مدت ۳۰ روز هر حاجتی که دارد فقط آنرا از پادشاه درخواست کند، به نظر می رسد ظاهراً این یک راهکار خوب برای تقویت وفاداری به پادشاه و در نتیجه وسیله ای برای جلوگیری از هرگونه فتنه برعلیه پادشاه باشد. اما درباریان با ادعای اینکه، چنین پیشنهادی از حمایت « همه » وزرای مملکت، فرمانداران، مشاوران، و حکام برخوردار است، پادشاه را به گمراهی انداختند - یک اشتباه بدیهی است، زیرا که دانیال شامل آنان نیست. علاوه براین، شاید برای پادشاه دیدگاه اینکه به عنوان خدا عمل کند، جالب و جذاب بوده باشد.

هیچ شواهدی وجود ندارد که پادشاهان فارس هرگز ادعای مقام خدایی کرده باشند. با این وجود، این حکم ممکن است به منظور اینکه تنها پادشاه به مدت سی روز نماینده خدایان باشد؛ و در نتیجه دعاها به حضور خدایان از طریق او عرضه شود، در نظر گرفته شده باشد. متأسفانه، پادشاه انگیزه ای را که در قفای پیشنهاد آنان است را بررسی نمی کند. بنابراین، او نتوانست بفهمد که قانونی را که آنان ادعا می کنند برای جلوگیری از توطئه علیه پادشاه است، خود توطئه ای برای آسیب رساندن به دانیال است.

دو جنبه در این قانون قابل توجه است. اول، مجازات سرپیچی از حکم، افتادن در چاه شیران بود. از آنجا که این نوع مجازات در جای دیگری تأیید نشده، ممکن است این یک پیشنهاد ویژه از طرف دشمنان دانیال بوده باشد. پادشاهان باستان خاور نزدیک، شیران را در قفس قرار می دادند تا آنها را در موقعیت های خاص به منظور شکار آزاد کنند. به همین دلیل، کمبودی از نظر داشتن شیرها برای آسیب به هرکسی که جرات کند حکم پادشاه را نقض کند، وجود نداشت. دوم، فرمان را نمی توان تغییر داد. ماهیت غیر قابل تغییر « قانون پارس ها و مادها » همچنین در استر باب ۱: ۱۹ و استر باب ۸: ۸ به

آن اشاره شده است. دیودور سیسیلی، مورخ نویسنده یونان باستان، به رویدادی در زمانی که داریوش سوم (این با داریوش که در کتاب دانیال ذکر شده، اشتباه نشود) اشاره می کند که داریوش سوم نظرش تغییر می کند، اما او دیگر نمی تواند حکم اعدام شخص بی گناه را لغو کند.

۲۲ بهمن

سه شنبه

دعای دانیال

« هرگاه تو دعا می کنی به اندرون خانه خود برو، در را ببند و در خلوت، در حضور پدر نادیده خود دعا کن و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست » (متی ۶: ۶).

دانیال ۶: ۱۰ را بخوانید. چرا دانیال واقعاً در تنهایی دعا نمی کند، بدون اینکه کسی او را ببیند؟

دانیال یک دولتمرد با تجربه است، اما، بالاتر از همه او خادم خدا است. به همین ترتیب، او تنها عضو حکومت است که می تواند بداند چه موضوعی در پس فرمان پادشاه وجود دارد. برای داریوش این حکم به معنای فرصتی برای تقویت وحدت در پادشاهی اوست، اما برای توطئه گران ترفندی برای خلاصی از دانیال می باشد.

البته، علل و انگیزه های اصلی در پس این توطئه، نبرد کیهانی بین خداوند و نیروهای شر است. در این زمان، (۵۳۹ ق.م.)، از پیش دانیال نبوت های نوشته شده در باب ۷ کتاب دانیال (۵۵۳ ق.م.) و باب ۸ (۵۵۱ ق.م.) را می دانست. بنابراین، او می تواند فرمان سلطنتی را نه به عنوان یک مسئله صرفاً سیاست انسانی بلکه به عنوان نمونه ای از این جنگ کیهانی درک کند. در نبوت پسر انسان، پادشاهی به برگزیدگان واگذار می شود و شاید با کمک فرشته تسلی بخش تفسیر کننده (دانیال ۷)، شجاعت مقابله با بحران در پیش رو به او داده شده است. او همچنین ممکن است از تجربه یارانش، کسانی که با شجاعت کامل با فرمان نبوکدنصر مبارزه کردند، تحت تاثیر قرار گرفته بود (دانیال ۳).

بنابراین، او عادت های مذهبی خود را تغییر نمی دهد، بلکه به ادای مراسم عبادی خود سه بار در روز به سمت اورشلیم ادامه می دهد. دانیال علیرغم فرمان ممنوعیت تقاضا از هر انسان یا خدا به غیر از پادشاه، هیچگونه احتیاطی برای مخفی یا پنهان کردن زندگی عبادی خود در طول مدت سی روز نمی کند. او یک اقلیت مستقل است زیرا که او در مقابله با فرمان شاه در میان ده ها تن فرمانداران و دیگر درباریان تنهاست. با این حال، دانیال از طریق زندگی عبادی آشکارا نشان می دهد که وفاواری او به خدای خویش نسبت به وفاواری به پادشاه و فرمان غیر قابل برگشت او در اولویت قرار دارد.

اعمال باب ۵: ۲۷ تا ۳۲ را بخوانید. اگرچه که در اینجا پیام سرزنش کاملاً واضح است، چرا ما باید همیشه، وقتی اقدام به نقض قانون انسانی می‌کنیم، اطمینان حاصل کنیم که آنچه انجام می‌دهیم خواست واقعی خداوند است یا نه؟ (بالاخره، در مورد مردمی که حاضر شدند بمیرند تا تسلیم باور یا سیستم اعتقادی که ما معتقدیم اشتباه است! بشوند فکر کنید).

۲۳ بهمن

چهارشنبه

در چاه شیران

دانیال باب ۶: ۱۱ تا ۲۳ را بخوانید. پادشاه به دانیال چه می‌گوید که نشانگر اینست که دانیال گواه وفادار و قدرتمندی برای خداست؟

خیلی زود توطئه گران مکان دعای دانیال را کشف می‌کنند، یعنی دقیقاً همان چیزی که فرمان پادشاه آنرا قدغن کرده است. و همانطور که آنان این اتهام را در حضور شاه مطرح می‌کنند، آنها به روش تحقیرآمیزی به دانیال اشاره می‌کنند: «این دانیال که از تبعیدیان یهودیه می‌باشد» (دانیال ۶: ۱۳). در چشم آنان، یکی از فرمانداران اصلی امپراتوری، شخص مورد علاقه شاه، چیزی بیش از «یک اسیر» نیست. علاوه بر آن، آنها با گفتن اینکه دانیال «به تو ای پادشاه و به فرمانی که امضا نموده ای اعتنا نمی‌نماید»، دانیال را بر علیه پادشاه قرار دادند. اکنون شاه متوجه می‌شود که با امضای فرمان در دام افتاده است. این متن می‌گوید که «تا غروب آفتاب کوشش می‌کرد که راهی برای نجات دانیال پیدا کند» (دانیال ۶: ۱۴). اما هیچ راهی وجود ندارد که بتواند نبی را از مجازات مقرر شده، نجات دهد. قانون غیر قابل فسخ ماد - فارس باید بر اساس این نامه [حکم] اجرا می‌شد. بنابراین پادشاه، با وجود ناراضی بودن، فرمان انداختن دانیال در چاه شیران را صادر می‌کند. اما با وجود صدور اجرای حکم، داریوش امیدوار است و به نظر می‌رسد که دعا می‌کند: «امیدوارم خدایی که تو پیوسته او را پرستش می‌کنی، تو را نجات دهد» (دانیال ۶: ۱۶).

متن کتاب مقدس نمی‌گوید که دانیال در میان شیران چه می‌کند، اما می‌توان حدس زد که او دعا می‌کرده است. و خداوند با فرستادن فرشته خویش برای محافظت دانیال، او را گرمی می‌دارد. صبحگاهان، دانیال بدون هیچ آسیبی آماده است تا فعالیت خود را در دولت ادامه دهد. «الذی جی وایت در این مورد توضیح می‌دهد: «خداوند مانع دشمنان دانیال از انداختن او به لانه شیران نمی‌شود؛ او اجازه می‌دهد تا فرشتگان شریرو مردان گناهکار هدف خود را به انجام برسانند؛ اما این شاید برای این بوده که او می‌خواهد

تا نجات خادم خود را برجسته تر نشان دهد، و شکست دشمنانش در برابر حقیقت و عدالت بزرگتر باشد» (انبیا و پادشاهان، صفحات ۵۴۳ تا ۵۴۴).

اگرچه این داستان فرجامی شاد (حداقل برای دانیال) دارد، اما در مورد شرح حال دیگران حتی آنانی که در کتاب مقدس آمده است (نگاه کنید به عنوان مثال به مرقس باب ۶: ۱۴ تا ۲۹)، که در آن با نجات پایان نمی یابد، چگونه است؟ ما چگونه آنان را درک می کنیم؟

۲۴ بهمن

پنجشنبه

حقانیت

دانیال باب ۶: ۲۴ تا ۲۸ را بخوانید. پادشاه چه شهادتی را در باره خداوند می دهد؟

نکته مهم این داستان، این واقعیت است که داریوش خدا را ستایش می کند و حاکمیت او را به رسمیت می شناسد. این نقطه عطف، حتی اوج ستایش یا بیاناتی از شناخت است، که در فصل های قبل به درگاه خدا ادا می شود. (دانیال ۲: ۲۰ تا ۲۳؛ دانیال ۳: ۲۸، ۲۹؛ دانیال ۴: ۱ تا ۳، ۳۴ تا ۳۷). داریوش مانند نبوکدنصر با تقدیر و ستایش خدا، به نجات دانیال واکنش نشان داد. اما داریوش بیشتر هم انجام داد: او فرمان قبلی خود را عوض کرد و به همه فرمان داد تا « در حضور خدای دانیال ترسان باشند» (دانیال ۶: ۲۶). بله، دانیال بطور معجزه آسایی نجات می یابد، او پاداش وفاداریش را می گیرد، شریر مجازات می شود، و عزت و قدرت خدا اثبات می شود. اما آنچه که ما در اینجا مشاهده می کنیم، نمونه کوچکی است از آنچه که در مقیاس جهانی اتفاق خواهد افتاد: قوم خدا رستگار می شود، شریر مجازات می شود، و پروردگار در برابر همه گیتی حقانیت می یابد.

دانیال باب ۶: ۲۴ را بخوانید. چه چیزی در این آیه ممکن است به نظر ما مشکل آفرین باشد، و چرا؟

با این حال یک مشکل پریشان کننده وجود دارد، و این مسئله زنان و فرزندان است که تا آنجائی که ما می دانیم بی گناه هستند و در عین حال کسانی هستند که همان سرنوشتی را که شخص گناهکار تجربه می کند و آنان نیز تجربه می کنند و رنج می برند.

چگونه باید این مسئله را توضیح بدهیم، آیا به نظر نمی‌رسد که این نقض عدالت است؟ اول، باید توجه داشته باشیم که این اقدام پادشاه بر طبق قانون دولت فارس است که شامل مجازات خانواده مجرم هم می‌شده است. طبق یک اصل کهن، تمام خانواده در مجرم بودن یکی از اعضای آن خانواده مسئول هستند. این بدین معنا نیست که این اصل درست است؛ این فقط به این معنی است که این داستان مطابق آنچه است که ما از قانون پادشاهی فارس می‌دانیم.

دوم، ما باید توجه کنیم که روایت کتاب مقدس این اتفاق را گزارش می‌دهد اما این عمل شاه را تأیید نمی‌کند. در حقیقت، کتاب مقدس به وضوح قدغن می‌کند که فرزندان به دلیل گناهان پدر و مادر آنان (تثنیه ۲۴: ۱۶) محکوم به مرگ شوند.

در مواجهه با بی‌عدالتی‌هایی مانند این و بسیاری دیگر، شما چه تسلی می‌توانید از متونی مانند اول قرنتیان باب ۴: ۵ دریافت کنید؟ این آیه چه می‌گوید، و چرا این نکته، بسیار مهم است؟

۲۵ بهمن

جمعه

تفکری فراتر: شرح نجات دانیال در عبرانیان باب ۱۱ آمده است. چه می‌تواند «سرای مشهور ایمان» نامیده شود، می‌گوید که نبی، در میان کمالات و فضائل دیگر «دهان شیران را بستند» (عبرانیان ۱۱: ۳۳). این فوق‌العاده است، اما باید قهرمانانی را در نظر داشته باشیم که مانند دانیال از مرگ نجات نیافتند، بلکه آنها کسانی هستند که شجاعانه رنج کشیدند و مردند، همانطور که در عبرانیان ۱۱ نیز ذکر شده است. خداوند، برخی را فرا می‌خواند تا با حیاتشان گواه او برای جهانیان باشند و برخی با مرگشان گواه او باشند. بنابراین، حکایت نجات دانیال همیشه به معنای اعطای آزادی به همه نیست، همانطور که ما می‌دانیم، گروه بسیاری از مردان و زنان به خاطر ایمانشان به مسیح به شهادت رسیده‌اند. با این حال نجات معجزه آسا دانیال نشان می‌دهد که احکام خداوند و خود او، در نهایت تمام فرزندان او را از قدرت گناه و مرگ نجات خواهند داد. در فصل‌های بعدی دانیال این مسئله کاملاً روشن خواهد شد.

سؤالاتی برای بحث

۱. ژان پل سارتر فرانسوی یکبار نوشت که «بهترین راه فهمیدن طرح اصلی حقیقت انسان این است که گفت، انسان موجودی است که هدفش خدا بودن است» (ژان پل سارتر، بودن یا نبودن: مقاله پدیده‌شناسی در هستی‌شناسی، کنفرانس واشنگتن). چگونه این کمک می‌کند، تا حداقل بطور سطحی درک کنیم

که چرا شاه در دام افتاد؟ چرا همه ما باید، در هر مرحله از زندگی که هستیم، مراقب باشیم تا در دامی این چنینی یعنی تمایل خطرناک هر چقدر هم که شاید فریبنده باشد، نیفتیم؟ شیوه های دیگری که ممکن است بخواهیم «مانند خدا» باشیم چیست؟

۲. در رابطه با وفاوداریمان نسبت به خدا و قانون او، چه گواه و شهادتی می توانیم در برابر دیگران باشیم؟ افرادی که شما را می شناسند، در باره ایستادگی شما برای ایمانتان چه فکر می کنند، حتی اگر هزینه این ایستادگی به قیمت از دست دادن شغل یا حتی حیات شما تمام شود؟

۳. شما در دانیال چه می بینید که او را به شخصی که خدا می توانست از او بطور موثر برای اجرای هدف خود استفاده کند، مبدل می سازد؟ شما چگونه با یاری پروردگار، می توانید ویژگی های مشابه دانیال را در خود رشد دهید؟

۴. با توجه به حکم پادشاه، از چه راه هایی دانیال می توانست تصمیم خود، در تغییر شیوه دعا کردنش را توجیه کند؟ یا اینکه این یک سازش خطرناک بوده است؟ اگر بوده، چرا؟